



## شان حیات دینی جدا از شان علم است

یک استاد دانشگاه تبریز گفت: شان حیات دینی که مبتنی بر ایمان به غیب است، شان حیات فلسفی که مبتنی بر تعقل و اندیشه و نه لزوماً تجربی است و شان علم که مبتنی بر داده های تجربی و سیال و تغییر پذیر است نباید با هم قاطی شوند.

یک استاد دانشگاه تبریز گفت: شان حیات دینی که مبتنی بر ایمان به غیب است، شان حیات فلسفی که مبتنی بر تعقل و اندیشه و نه لزوماً تجربی است و شان علم که مبتنی بر داده های تجربی و سیال و تغییر پذیر است نباید با هم قاطی شوند. دکتر حسن فتحی استاد فلسفه دانشگاه تبریز در مورد دیدگاه های رایج در خصوص نسبت میان علم و دین به خبرنگار مهر گفت: دیدگاه ها درباره نسبت میان علم و دین و در یک مقیاس وسیعتر نسبت میان ایمان و عقل از همان زمانی که تفکر درباره دین شروع شده یا به عبارت دیگر تلاقی میان فلسفه و علم یونانی با اندیشه دینی یا حیات دینی درک هویت و مصونیت سپس اصلاح صورت گرفت آغاز شده است.

وی افزود: از ابتدا نیز نسبت میان ایمان و عقل یا دین و فلسفه مطرح بوده است. فلسفه به معنای عام کلمه و علم به معنای امروزی کلمه یعنی علم تجربی را هم شامل می شده است. ولی بعدها وقتی به عصر خودمان می رسیم، بطور خاص نسبت میان علم یعنی علم تجربی و دین مطرح می شود. دیدگاه ها بدین قرارند که عده ای معتقد بودند مقوله دینی، مقوله ایمانی و تعبد و پذیرش است و با علم نباید خلط شود در طرف مقابل عده ای هم بر این باورند که هر آنچه دین می گوید در حیطه علم و پژوهش علمی می گنجد یا دست کم از طریق علم هم قابل پژوهش و بررسی و احیاناً قابل اثبات یا تأیید است.

این استاد گروه فلسفه دانشگاه تبریز اظهارداشت: میان این دو طیف دیدگاه های متمایل به هر یک از دو طرف با تعدیل های خاصی نیز وجود دارد. آنچه که باید در این خصوص توجه بشود این است که اگر دین در علم بگنجد که از دین بودنش خارج می شود. به هر حال در دین مقوله غیب و ایمان به غیب است و نوعی حیات، حالا اهل علم با علمش می تواند حیات دینی داشته باشد غیر اهل علم، اهل هنر، اهل تأمل انتزاعی و استدلالی هرکدام از اینها با حوزه معرفتی زیستی خودشان می توانند تجربه و حیات دینی داشته باشند و یا نداشته باشند. بنابراین کوشش برای اینکه همه چیز را علمی بکنیم مثلاً از سوره ایل و درباره شتر اگر چیزی در قرآن آمده قرآن را با مکانیک بیاییم نسبت بدهیم یا از ابر و باد چیزی آمده قرآن را با جو شناسی نسبت بدهیم و یافته های علمی خودمان را که علی القاعده موقتی آزمایشی و ابطال پذیر هستند چنان با دین پیوند بدهیم که اگر آن یافته علمی جابه جا شد اعتقادات دینی متزلزل بشوند. با این کار به جای اینکه به دین سود رسانده ایم به آن زیان رسانده ایم.

این محقق و نویسنده تصریح کرد: برای مثال در دوره مسیحیت عقیده نجومی زمین محوری با اعتقاد دینی که مسیح که در زمین است رایج بود می گفتند زمین با تبعیت از حضور مسیح، مرکز عالم است اگر بر فرض خورشید دور زمین نگردد و زمین دور خورشید بگردد مثل آن است که مسیح دور یک مرکز دیگر گردیده است و از این طریق با کسانی که عالم را یک طور دیگر می بینند از نظر علمی و مثلاً به خورشید محوری به آنها انگ بی دینی می زدند و با آنها مقابله می کردند. این مطلب نه تنها به دین سود نرسانده بلکه به علم هم که راه خود را دارد ضرر رساند.

فتحی یادآورشد: مشابه این مسئله را هم در نظریه ماده و صورت ارسطو داریم وقتی که در زیست شناسی ارسطویی ارسطو می گوید جنس نر فقط صورت را می دهد و جنس ماده فقط ماده را می دهد.

فتحی در ادامه گفت: در کشور ما هم عده ای فکر می کنند به دین خدمت می کنند خیلی کوشش می کنند همه چیز را علمی کنند و بگویند دین هرچه می گوید با علم سازگار است این مسئله از اول اشتباه است. شان حیات دینی که مبتنی بر ایمان به غیب است شان حیات فلسفی که مبتنی بر تعقل و اندیشه و نه لزوماً تجربی است و شان علم که مبتنی بر داده های تجربی و البته سیال و تغییر پذیر است نباید با هم قاطی شوند. ما نباید روزه را چنان تفسیر علمی کنیم گویی که فقط فایده علمی دارد یا نماز را به گونه ای تفسیر کنیم که گویی یک بهداشت و ورزش است.